

# بدان که یاری خداوند نزدیک است

در دعوت‌های فرستادگان، بسیار و بسیار چیزهایی است که مؤمن می‌تواند از آن‌ها بهره‌گیرد، تا از مقربان امام مهدی علیه السلام شود و دشمنی از دشمنان ایشان نگردد. در دعوت‌های فرستادگان، حقی است که مؤمنی که می‌خواهد امام مهدی علیه السلام را یاری دهد، باید در میدان‌ش وارد شود؛ از سختی‌ها، بلاها، تلاش و جهاد، کشتار و پیکار و دردهایی که چه بسا از بدن عبور کند و به نفس و روح برسد، تا مسخره‌کردن و ریشخند و تمسخر، و تا خوار شدن و اندک بودن

یاری‌گر و دردها و دردها و دردها.

(حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ) (بقره، ۲۱۴)  
(تا آنجا که پیامبر و مؤمنانی که با او بودند، گفتند پس یاری خدا کی خواهد رسید؟ بدان که یاری خداوند نزدیک است).

سید احمد الحسن، روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، جلد ۱، صفحه ۳۰

مهدیین دوازده‌گانه از اولاد امام مهدی علیه السلام، در نگاه علما و محققان مهدویت

قسمت دوم: بررسی آرای شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طبرسی و شیخ اربلی



سلسله پاسخ‌هایی به بدعت  
۱۰۱ یوحنا دمشقی

قسمت دهم: حقانیت قرآن و محمد صلی الله علیه و آله

شناخت خداوند فقط  
با شناخت حجت خدا

قسمت هشتم: ذوالفقاری از جنس قلم

اورا این‌گونه شناختم  
به قلم شیخ جهاد اسدی

## سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه‌سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولدشده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده‌اند و نیز فرستاده‌ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به‌دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت‌های الهی احتجاج می‌کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می‌شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده‌اند و نام مبارک احمد به‌عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده‌اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه‌ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «...ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن‌ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام‌اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن [خلافت] را به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان‌آوردگان است.»

# سیدالشیخوخ

## فهرست

سید احمدالحسن را این گونه شناختم..... ۳

مهدیین دوازده گانه از اولاد امام مهدی علیه السلام، در نگاه علما و محققان  
مهدویت اقسامت دوم..... ۵

شناخت خداوند فقط با شناخت حجت خدا اقسامت هشتم..... ۸

سلسله پاسخ هایی به بدعت ۱۰۱ یوحنا دمشقی اقسامت دهم... ۱۱



### هفته نامه زمان ظهور

شماره ۱۴۳، جمعه ۲۳ دی ۱۴۰۱،  
۲۰ جمادی الثانی ۱۴۴۴، ۱۳ ژانویه ۲۰۲۳  
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راه های ارتباطی:  
[WWW.VARESin.ORG](http://WWW.VARESin.ORG)  
[WWW.ALMAHDYOON.CO](http://WWW.ALMAHDYOON.CO)



هر گونه برداشت از هفته نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات  
سازنده شما عزیزان است.

السلامة علیکم وعلیٰ آئمتکم وعلیٰ اولادکم  
وعلیٰ من اهلبیتکم

# سید احمدالحسن را این‌گونه شناختم

## به قلم: شیخ جهاد اسدی

در کتاب الامامه و التبصره ابن بابویه قمی، ص ۱۳۸ ح ۱۵۷ به نقل از حارث بن مغیره النصری آمده است که می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: صاحب این امر را با چه نشانه‌ای بشناسیم؟ فرمود: «با آرامش و وقار و علم و وصیت.» و صاحب الامر، نبی یا وصی است.

اکنون می‌خواهم این روایت را بر سید احمدالحسن یمانی تطبیق دهم.

**در رابطه با وقار [باید گفت] پیش از موافقان در میان مخالفین او به تواتر رسیده که سید احمدالحسن یمانی دارای آرامش و وقار و امانت‌داری است؛ تا جایی که برخی از حوزوی‌ها پیش از آغاز دعوتش او را صادق‌الامین می‌نامیدند.**

کسانی که با او همراهی داشتند، گواهی داده و اقرار دارند به اینکه سید احمدالحسن حکیم‌ترین فرد در بین آن‌ها و بردبارترین، شجاع‌ترین، عادل‌ترین و دلسوزترین فرد است؛ سخاوتمندی است که هرکس از او چیزی بخواهد به او می‌دهد؛ دینار و درهم نزدش نمی‌ماند؛ خشن و بداخلاق و فحاش نیست؛ او از کسانی است که روی زمین می‌خوابد، و روی زمین غذا می‌خورد و سر سفره غذا همچون برده می‌نشیند و هرچه حاضر بود می‌خورد، و آنچه وجود داشته باشد پس نمی‌زند؛ با فقرا و افراد ساده و کسانی که [در ظاهر] تناسبی با این امر ندارند هم‌نشینی دارد؛ با نیازمندان غذا می‌خورد و با دست مقدس خودش به آن‌ها غذا می‌دهد؛ یتیمان و بیوه‌ها را گرمی می‌دارد و به آن‌ها رسیدگی می‌کند؛ در حد توان به اهل علم و فضیلت (و حتی به فرزندانشان)



### سید احمدالحسن:

من و پناه می‌برم به خدا از منیت تا به امروز هرگاه همراه برخی انصار باشم و به غذا پختن نیاز پیدا کنیم، خودم بلند می‌شوم و غذا می‌پزم و هنگامی که به کسی برای شستن ظرف‌ها نیاز پیدا کنیم، با دست خودم آن‌ها را می‌شویم؛ هرچند انصار درخواست می‌کنند که مرا خدمت نمایند، ولی این افتخار من است که خدمتگزار آن‌ها باشم.

(در محضر عبد صالح، ج ۲)



احترام می‌گذارد و به آن‌ها رسیدگی می‌کند، و در نزد او آن‌ها مقدم‌اند؛ با نیکی به افراد شریف با آن‌ها انس و الفت می‌گیرد؛ با نزدیکان ارتباط می‌گیرد [و صلہ رحم به‌جا می‌آورد] بدون آنکه آنان را بر دیگران ترجیح دهد، مگر به دستور خداوند؛ در حق کسی جفا نمی‌کند؛ عذر کسی را که از او معذرت‌خواهی می‌کند می‌پذیرد؛ هرگز آروغ نمی‌زند و خمیازه نمی‌کشد؛ در نشستن تکیه نمی‌دهد؛ اگر در جمعی سخن بگوید نگاهش را به‌طور مساوی تقسیم می‌کند [و به همه به‌شکل مساوی نگاه می‌کند]؛ اگر در را بکوبند خود در را باز می‌کند، در کارهای خانه به خانواده‌اش کمک می‌کند؛ وقتی می‌نشیند به‌صورت کسی زل نمی‌زند؛ به‌خاطر خداوند خشمگین می‌شود، نه به‌خاطر خودش؛ چنانچه از تفسیر قرآن سخن نگوید یا در حال موعظه و پاسخ به سؤال نباشد بیش از هرکس تفکر می‌کند؛ در خوراک یا پوشاک یا نشستن بر یارانش برتری نمی‌جوید و هیچ‌گاه در حضور او حق هیچ‌یک از یارانش پایمال نشد؛ اگر یکی از یارانش خطا می‌کرد در نصیحت او می‌کوشید.

**بدی را با بدی پاسخ نمی‌دهد، بلکه می‌بخشد و عفو می‌کند و با هرکس برخورد می‌کرد، ابتدا سلام می‌نمود؛**

هرکس با هر حاجت کوچک و بزرگی نزد او می‌آمد، برای رفع نیاز وی با او همراه می‌شد و هرکس چیزی از او بخواهد با او صبوری می‌کند تا آن شخص خودش برود، وقتی کسی با او دست می‌دهد دستش را نمی‌کشد تا آنکه شخص مقابل دستش را بکشد، و از بوسیدن دستش توسط دیگران خودداری می‌کند، و اگر یکی از یارانش را ببیند برای دست‌دادن پیش قدم می‌شود؛

نشست و برخاست او همواره به ذکر و یاد خداست؛ هرکس با او می‌نشیند یا نزد او می‌آید [سید احمد الحسن] از او می‌پرسد آیا خواسته و حاجتی داری؟ بیشتر اوقات موقع نشستن پاهایش را استوار و جمع می‌کند، همانند طرز نشستن جدش رسول خدا ﷺ؛ در انتهای مجلس می‌نشیند؛

بیشتر اوقات رو به قبله می‌نشیند؛ همچون پیامبران به پشت می‌خوابد؛ بالش پشت کمرش را به هرکس که وارد شود می‌دهد؛ **چه در رضایت و چه در حال خشم فقط حق را می‌گوید و سکوت وی بیش از سخن گفتن اوست.**

حمد و سپاس خداوند را به‌خاطر عظمت جانشینانش.

### سید احمد الحسن:

به آنچه از ملکوت آسمان‌ها می‌شنوید و آنچه در ملکوت آسمان‌ها می‌بینید گواهی دهید؛ مردم را با حق آشنا کنید؛ آنان را به حق دعوت کنید و همگان را به سفره‌ای که از آسمان فرود آمده است دعوت کنید.

(نامه هدایت)



# مهدیین دوازده‌گانه از اولاد امام مهدی علیه السلام، در نگاه علما و محققان مهدویت

نویسنده: نعیم احمدی

اقسمت دوم

(بررسی آرای شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طبرسی، شیخ اربلی)

مؤمنان علی علیه السلام فرمود: ای ابن حارث، این چیزی است که به قائم موكول شده است و رسول خدا صلی الله علیه و آله از من پیمان گرفته که در این باره غیر از حسن و حسین علیهما السلام را با خبر نکنم... [۱]

بررسی:

**سخنان شیخ صدوق نشان می‌دهد او معتقد نبوده که جانشینان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله، لزوماً منحصر در دوازده امام هستند؛** زیرا در این باب گفته است: «و پس از او نیز همان خواهد بود که او فرماید، یا پس از او امامی خواهد بود یا آنکه قیامت بر پا خواهد شد.» این عبارت نشان می‌دهد که شیخ صدوق بین نصب امام یا قیام قیامت، مردد است؛ در نتیجه، او نصب امام جدید بیشتر از دوازده امام را جایز دانسته و به محصور بودن امامت به دوازده امام، به شکل قطعی سخن نگفته است.

**شیخ صدوق باز در ادامه تأکید می‌کند:** «و ما مکلف نیستیم مگر اقرار به دوازده امام و اعتقاد به وجود

۱. شیخ صدوق

شیخ صدوق می‌نویسد:  
«زیدیه می‌گویند جایز نیست پیامبر بگوید امامان دوازده نفر هستند؛ زیرا حجت (های الهی) تا قیامت در این امت باقی هستند و بعد از محمد صلی الله علیه و آله، یازده امام از دوازده امام وفات کرده و شیعه امامیه معتقد است زمین از حجت الهی خالی نیست.»

پس در جواب می‌گوییم: تعداد ائمه دوازده تن است و دوازدهمین نفر، کسی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان طور که از ظلم و جور پر شده بود و پس از او نیز همان خواهد بود که او فرماید که یا امامی پس از او خواهد بود یا آنکه قیامت بر پا خواهد شد و ما مکلف نیستیم مگر اقرار به دوازده امام و اعتقاد به وجود آنچه امام دوازدهم دربارهٔ پس از خود می‌فرماید.

عبدالله به حارث می‌گوید: به علی گفتم ای امیر مؤمنان از آنچه بعد از قائمتان اتفاق می‌افتد مرا با خبر کن. امیر

سید احمد الحسن:

تعداد روایات نص بر مهدیین یا برخی از آنها، زیاد و در حد توانر است و از آن علم و اعتقاد به دست می‌آید؛ همچنین تعارضی بین روایات گفته شده دربارهٔ امامان و مهدیین وجود ندارد.

(عقاید اسلام، ص ۲۰۳)



**بررسی:**

**شیخ مفید در سخنان خود، این احتمال را بیان کرده که امامت با وفات امام مهدی علیه السلام پایان نمی یابد؛ بلکه ممکن است طبق روایت، فرزندش بعد از ایشان زمام امامت را به دست گیرد و با گفتن «ان شاء الله» به وقوع آن نیز ابراز امیدواری کرده یا آن را به مشیت الهی موکول می کند. روشن است که مستند شیخ مفید درباره جانشینی فرزند امام مهدی علیه السلام، حدیث وصیت رسول خداست.**

شیخ مفید مضمون حدیث وصیت را درباره امامت فرزند امام مهدی علیه السلام به طور قطعی ثابت ندانسته است؛ زیرا مستندش برای امامت فرزند امام مهدی علیه السلام فقط حدیث وصیت بوده است و به روایات متواتری که امامت مهدیین از فرزندان امام مهدی علیه السلام را به شکل قطعی اثبات و مضمون حدیث وصیت را تأیید می کنند دسترسی نداشته یا از آن ها غافل بوده است؛ لذا از دید ایشان، از حدیث وصیت صرفاً می توان احتمال خلافت فرزند امام مهدی علیه السلام را مطرح کرد؛ و همین کافی است که نتیجه بگیریم که شیخ مفید محصور بودن امامت در دوازده امام را مسلم نمی پنداشته است؛

زیرا در این باره به یقین نرسیده بود و بین خلافت فرزند امام مهدی بعد از ایشان، یا قیام قیامت، چهل روز بعد از وفات صاحب الزمان در تردید بوده است.

**و اما درباره این سخن شیخ مفید که احتمال می داده بعد از امام**

قائم چه می شود؟! علاوه بر این، اگر منظور شیخ صدوق از امامی که امام دوازدهم آن را معرفی می کند یکی از امامان در رجعت می بود، به صراحت می گفت رجعت اهل بیت علیهم السلام آغاز می شود و دلیلی نداشت از امامی سخن بگوید که امام دوازدهم آن را معرفی می کند.

این را نیز فراموش نکنیم که شیخ صدوق محدث بزرگی است و روایات مهدیین را دیده است و برخی از این روایات را نیز در کتب خود نقل کرده است؛ و این قرینه ای است بر اینکه احتمالی که شیخ صدوق در استمرار امامت بعد از امام دوازدهم ذکر می کند بر پایه روایاتی است که درباره مهدیین دیده است؛ اما چون این مسئله به طور کامل برای او روشن نبوده و درباره آنان مردد بوده، آن را فقط به صورت احتمال بیان کرده است.

**۲. شیخ مفید**

شیخ مفید می نویسد:

«و بعد از دولت قائم برای هیچ کس دولتی نیست، مگر آنچه در روایت از قیام فرزندش ان شاء الله آمده است و به صورت قطع و یقین وارد نشده است و بسیاری از روایات ذکر کرده اند که مهدی این امت وفات نمی یابد، مگر چهل روز قبل از قیام قیامت. روزی که در آن هرج و مرج می شود و علامت آن خروج مردگان و قیام ساعت حساب و جزاست، و خداوند داناتر است، که او ولی توفیق و حق است و از او خواهان عصمت از ضلالت هستیم. اوست که ما را به راه راست، هدایت می کند.» [۲]

آنچه امام دوازدهم درباره پس از خود می فرماید. این عبارات نشان می دهد که شیخ صدوق ضمن اعتقاد به دوازده امام، احتمال این را می داده که بعد از امام دوازدهم، امام یا امامان دیگری هم باشند که امام مهدی علیه السلام آن ها را به امامت نصب کند؛ و این سخن شیخ صدوق که «ما مکلف نیستیم مگر اقرار به دوازده امام» در عصر شیخ صدوق، سخن بجایی بوده است؛ زیرا شیعیان آن زمان، مکلف بوده اند که به دوازده امام معتقد باشند؛ زیرا امر مهدیین به آخر الزمان مربوط است و مورد ابتلای شیعیان عصر شیخ صدوق نبوده است؛ و از طرفی، افشای امر مهدیین از خلال روایات، به این شکل از وضوح که اکنون شاهد آن هستیم وجود نداشته است؛ لذا کاملاً طبیعی است که شیخ صدوق بگوید ما مکلف نیستیم مگر اقرار به دوازده امام.

شیخ صدوق در تأیید سخن خود مبنی بر اینکه ما نمی دانیم بعد از امام مهدی علیه السلام چه خواهد شد، روایاتی را نقل می کند که مضمونشان این است که خود قائم است که خبر می دهد بعد از آن چه می شود و لذا دیگران از آن اطلاع ندارند. این نشان می دهد که شیخ صدوق معتقد نبوده که بعد از قائم، لزوماً رجعت می شود؛ زیرا شیخ صدوق به رجعت اعتقاد داشته است (الاعتقادات، ص ۶۰) و اگر اعتقاد داشت که رجعت اهل بیت علیهم السلام، بعد از وفات امام دوازدهم شروع می شود، چه معنا داشت روایاتی را ذکر کند که مضمونشان این است که فقط خود قائم است که خبر می دهد بعد از

**سید احمد الحسن:**

رسول الله صلی الله علیه و آله برای گمراه نشدن امتش، دستور به تمسک جستن به قرآن و عترت پاک علیهم السلام را داده و به آنچه شما برای تمسک جستن واجب دانسته ای و آن ها را زبان عربی، عقل، منطق و اجماع امت محمد صلی الله علیه و آله نام نهاده ای، دستور فرموده است.

(پاسخ های روشنگرانه، جلد هفتم، پرسش ۸۴۲)



**۳. امین الاسلام طبرسی**

شیخ طبرسی می‌نویسد:

«روایت صحیح‌السندی هست که می‌فرماید: بعد از دولت قائم دولتی برای هیچ احدی باقی نمی‌ماند، جز آنچه درباره قیام فرزندش ان‌شاءالله تعالی روایت شده و روایت به قطع و اثبات نرسیده و بیشتر روایات ذکر کرده‌اند که امام مهدی وفات نمی‌یابد، مگر چهل روز قبل از قیامت که در آن روز هرج و مرج می‌شود و نشانه آن خروج اموات و قیام ساعت است، و خداوند داناتر است.» [۶]

**بررسی:**

سخنان شیخ مفید و تردید شیخ طبرسی و نداشتن قطعیت در پایان یافتن امامت با وفات امام مهدی، با هم نزدیکی دارند و هرچه در بررسی سخنان شیخ مفید گفته شد، در اینجا هم گفته می‌شود.

**۴. ابن ابی فتح اربلی**

ابن ابی فتح اربلی می‌گوید:

«بعد از دولت قائم دولتی برای احدی باقی نمی‌ماند، جز آنچه درباره قیام فرزندش ان‌شاءالله روایت شده و روایت به قطع و اثبات نرسیده و بیشتر روایات ذکر کرده‌اند که امام مهدی وفات نمی‌یابد، مگر چهل روز قبل از قیامت که در آن هرج و مرج می‌شود، و نشانه آن خروج اموات و قیام ساعت است و خداوند داناتر است.» [۷]

**این کلام مانند کلام شیخ مفید است که قبلاً ذکر کردیم.**

ادامه دارد...

**پانوشت**

کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ص ۷۷.

الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۷.

کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۹۵۸.

کتاب سلیم بن قیس هلالی، ص ۴۷۸.

الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۵.

اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۲، ص ۲۹۵.

کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۶.

**دوازدهم قیامت می‌شود،** در روایت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده: «برای دولت او پایانی نیست، مگر چهل روز قبل از قیام قیامت.» [۳]

طبق این حدیث، از انتهای دولت مهدی تا قیامت چهل روز فاصله است؛ اما این حدیث با حکومت مهدیین از نسل امام مهدی علیه السلام هیچ تعارضی ندارد؛ زیرا دولت امام مهدی علیه السلام به عمر امام علیه السلام وابسته نیست؛ چراکه دولت ایشان، پس از وفات ایشان، توسط فرزندان ایشان، یکی پس از دیگری، استمرار می‌یابد.

**بنابراین مقصود از روایت، این است که بعد از قیام امام مهدی علیه السلام تا روز قیامت، دولتی نیست مگر برای آل محمد علیهم السلام و پنهان نیست که مهدیین از آل محمد علیهم السلام هستند و آنان عترت قائم علیه السلام هستند.**

در حدیث دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است:

«دنیا هرگز برای احدی قبل از ما و بعد از ما، باقی نمی‌ماند. دولت ما آخرین دولت‌هاست که به‌جای هر روز، دو روز و به‌جای هر سال، دو سال است؛ و از ما اهل بیت از فرزندانم، کسی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان‌طور که پر از ظلم و ستم شده است.» [۴]

فرمایش ایشان که «دنیا هرگز برای احدی، قبل از ما و بعد از ما باقی نمی‌ماند. دولت ما آخرین دولت‌هاست»، یعنی تمام دولت‌هایی که قبل از قیام قائم علیه السلام هستند، همه به زوال و نابودی می‌گریند و بعد از قیام قائم علیه السلام هیچ دولتی باقی نمی‌ماند، مگر برای اهل بیت که دولتی است که مؤسس آن قائم آل محمد علیهم السلام است و آن آخرین دولتی است که تا روز قیامت بر پا می‌ماند.

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

«دولت ما آخرین دولت‌هاست و برای اهل بیت علیهم السلام دولتی نخواهد بود، مگر بعد از همه دولت‌ها؛ تا هنگامی که سیره ما را ببینند، نگویند اگر ما هم حکومت می‌کردیم، سیره آنان را در پیش می‌گرفتیم و آن قول خداوند است که می‌فرماید: (و عاقبت از آن پرهیزگاران است.)» [۵]

**سید احمد الحسن:**

این روایات (مهدیین دوازده‌گانه) بسیار زیاد هستند و نمی‌توان آن‌ها را انکار کرد یا تعدادی از آن‌ها را رد کرد؛ مگر از روی نادانی یا دشمنی و به بیراهه رفتن، که البته چنین فردی از روش بحث علمی صحیح دور می‌شود.

(عقاید اسلام، ص ۲۰۳)





# شناخت خداوند فقط با شناخت حجت خدا

نویسنده: میعاد مسعودی

اقسمت هشتم: ذوالفقاری از جنس قلم

اتفاقی کتیبه‌های گلی با خط میخی متعلق به سومریان را کشف کردند. بسیاری از باستان شناسان، سومر را نخستین تمدن شهری بین‌النهرین واقع در جنوب عراق امروزی می‌دانند که نخستین سامانه نگارشی را ایجاد کردند و تاریخ مکتوبشان به حدود ۲۷۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد!

از نکات بارز سومریان این است که آن‌ها دارای تمدنی پیشرفته بودند و جهشی عظیم نسبت به دوره‌های گذشته داشتند و نیز داستان‌ها و حماسه‌هایی بسیار عجیب و رازآلود دارند که هنوز هم برای پژوهشگران مجهول است...

با شواهد تاریخی و دینی، اجداد سومریان را می‌توان مرتبط با قوم نوح علیه السلام و نوادگان آدم علیه السلام و شیث علیه السلام دانست. جالب آنکه در کتیبه‌های کشف‌شده از قوم سومر، داستانی از طوفانی عظیم وجود دارد که دقیقاً همانند داستان طوفان نوح علیه السلام در کتب دینی امروزی هست!

جهش فرهنگی و تمدنی سومر و داستان‌ها و آثار موجود در کتیبه‌های گلی متعلق به آن‌ها باعث شد برخی فرضیه‌ها مبنی بر ارتباط آن‌ها با آدم فضایی‌ها (آنوناکی) مطرح شود که بیشتر شبیه بازرگرمی برای اشخاصی است که به‌دنبال ماجراجویی و جلب‌توجه هستند.

در ادامه تطبیق راه شناخت حجت بر سید احمدالحسن، علاوه بر وصیت بازدارنده از گمراهی که در شب وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله توسط ایشان املا شد و امیرالمؤمنین علیه السلام بر صحیفه‌ای نوشتند. که خود دلیل مستقل و کافی برای شناخت است. به علم الهی و برخی کتب ایشان پرداختیم. کتاب‌هایی که از نور خداوند سرچشمه می‌گیرد و شخص حقیقت‌طلب همان ابتدای مطالعه متوجه تفاوت این علوم با آثار سایر مدعیان علم می‌شود.

در مقاله قبل به موضوع کتاب‌های «توهم بی‌خدایی»، «متشابهات»، «در محضر عبد صالح»، «سیزدهمین حواری» و «وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام در تورات، انجیل و قرآن» اشاره شد و در این مقاله قصد داریم تعدادی دیگر از آثار خارق‌العاده سید احمدالحسن را موضوع‌شناسی کنیم.

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده که قائم به صحیفه‌های آدم و شیث و نوح احتجاج می‌کند. [۱] اکنون شما را دعوت می‌کنم به مطالعه کتاب «توقفگاه‌هایی برگزیده از چشم‌اندازهای سومر و اکد» نوشته سید احمدالحسن. حدود صد و پنجاه سال پیش باستان‌شناسانی که در جنوب عراق به‌دنبال آثار آشوریان و بابلیان بودند، به‌طور

سید احمدالحسن:

داستان‌های سومری در واقع چیزی جز پیشگویی‌های غیبی که آدم آن‌ها را به زمین آورد، نیست؛ و اینکه این‌ها همان حکایات فرزندان صالح علیه السلام و آنچه بر آن‌ها می‌گذرد است؛ به‌ویژه کسانی که نشانه‌های مهمی در راه دین هستند؛ مانند دموزی (فرزند نیکوکار) یا گیلگمش.

(توهم بی‌خدایی، ص ۳۵۱)



## اما به راستی حقیقت چیست؟

- آیا آن الواح همان میراث تحریف شده آدم علیه السلام و نوح علیه السلام است؟
- چه ارتباطی میان داستان طوفان در کتیبه های سومر و طوفان نوح علیه السلام وجود دارد؟
- آیا آن ها خیالاتی و خرافاتی بودند؟
- راز پیشگویی هایی که در کتیبه های سومر آمده، چیست؟ و چگونه داستان آن پیش از وقوع در کتیبه های سومر وجود دارد؟
- دین سومریان چه بود و چرا آن ها قرن ها برای شخصی به نام «تموز یا دموزی» نوحه سرایی و عزاداری می کردند؟ و ارتباط دموزی با امام حسین علیه السلام چیست؟
- گیلگمش که حماسه آن در کتیبه های سومر یافت شده، چه کسی است و چرا سومریان در انتظار او بودند؟
- تناقضاتی که برای شخصیت «ایشتار یا اینانا» در داستان ها وجود دارد چگونه حل می شود و او کیست؟
- و....

در رابطه با شواهد کشف شده از داستان ها و آثار سومر، تفسیرهای بسیاری موجود است که اکثر آن ها با بن بست مواجه شده اند؛ اما اکنون سید احمد الحسن پاسخ تمام سؤالات را می دهد و با علم الهی خود پرده از اسرار نوادگان آدم علیه السلام و نوح علیه السلام برمی دارد.

در کتابی دیگر به نام «سفر موسی به مجمع البحرین»، سید احمد الحسن به یکی از عجیب ترین داستان های قرآنی می پردازد؛ همان طور که از نام کتاب واضح است این کتاب به معماهای داستان ملاقات موسی با عبد صالح می پردازد که اکثر ما اطلاعاتی هرچند اندک از آن داریم؛ یعنی داستان سه عمل عبد صالح علیه السلام که موسی علیه السلام نتوانست در مقابل آن ها صبر کند:

۱. سوراخ کردن کشتی مسکینان؛
۲. کشتن نوجوانی که موسی علیه السلام او را نفس زکیه می دانست؛
۳. مرمت دیوار خانه یتیمان.

### استاد رزاق الانصاری:

شخصیت عبد صالح، عالم، خضر، یا مجمع البحرین و اینکه وی کیست، رمزی دشوار و ناگشوده و در ذهن علمای مسلمانان پنهان مانده است. سزاوار آن بود که ایشان از غور در این وادی کناره می گرفتند؛ زیرا آن ها مخاطبان قرآن نیستند. (پیشگفتار کتاب سفر موسی علیه السلام به مجمع البحرین)



## و اما سؤالات پیرامون این ملاقات:

- منظور از مجمع‌البحرین (جایی که دو دریا به هم می‌رسند) چیست؟ آیا صرفاً نام مکان است یا به اشخاص خاصی اشاره دارد؟
- عبد صالح کیست؟ چگونه ممکن است منظور از خضر همان خضر نبی علیه السلام باشد در حالی که خضر نبی علیه السلام مقام و علم به مراتب پایین‌تری از موسی علیه السلام که پیامبری اولوالعزم است. دارد؟! مگر می‌شود پیامبری اولوالعزم نتواند بر معرفت و علم پیامبری با مرتبه پایین‌تر صبر کند؟!
- چه حکمت‌ها و رازهایی در زنده‌شدن غذای موسی علیه السلام (ماهی) و سخنانی که با عبد صالح داشت وجود دارد؟
- در قرآن کریم خداوند صاحبان آن کشتی را که عبد صالح سوراخ کرد مسکین خوانده است؛ مسکین طبقه پایین‌تری از فقر است. اگر آن‌ها مسکین بودند پس چگونه کشتی که یکی از وسیله‌های بسیارگران قیمت است. داشتند؟!
- آیا کشتن نوجوان توسط عبد صالح قصاص قبل از جنایت بود؟ و چگونه ممکن است مردم این عمل را ببینند اما واکنشی نشان ندهند؟
- و....

پاسخ تمام رازها و حکمت‌هایی که در این داستان قرآنی وجود داشت توسط فرستاده امام مهدی علیه السلام پاسخ داده شده است. سید احمدالحسن با کنار هم قرار دادن روایات و آیات واضح قرآن به‌گونه‌ای حقیقت را آشکار می‌کند که خواننده تعجب می‌کند که چگونه قرن‌ها علما در پاسخ به این سؤالات درمانده بودند!

همه کتاب‌های سید احمدالحسن عطر آل محمد صلی الله علیه و آله می‌دهند که نمی‌توان با زبان آن‌ها را توصیف کرد. گویی امیرالمؤمنین علیه السلام بازگشته و این بار با ذوالفقاری از جنس قلم به صف جهل و ظلمت حمله‌ور شده است؛

از جمله کتاب‌های دیگر سید احمدالحسن عبارت‌اند از:

توحید، گزیده‌ای از تفسیر سوره فاتحه، نبوت خاتم، نصیحتی به طلبه‌های حوزه‌های علمیه و همه حق خواهان، رجعت سومین روز بزرگ خدا، وصیت مقدس، سرگردانی یا مسیر به سوی خدا، گوساله، عقاید اسلام، پاسخ‌های روشن‌گرانه، رساله‌ای در فقه خمس، احکام نورانی اسلام، روشن‌گری‌های از دعوت‌های فرستادگان، جهاد درب بهشت، بیان حقیقت و راستی با اعداد، نامه هدایت، تفسیر آیه‌ای از سوره یونس و...

در مقاله آینده نیز به کتاب فوق‌العاده «حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم» به‌علت مرتبط‌بودن به سومین ملاک شناخت حجت خدا و تطبیق آن بر سید احمدالحسن خواهیم پرداخت.

با ما همراه باشید...

### منابع:

۱. مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۸۳.

### سید احمدالحسن:

بر ما واجب است از راهی که اوصیای محمد صلی الله علیه و آله برایمان ترسیم کردند تبعیت کنیم؛ چرا که آن‌ها کشتی نجات‌اند و کسی که از آنان پیشی بگیرد، گمراه، و کسی که از آن‌ها عقب بیفتد، فنا و نابود می‌شود و کسی که همراه آن‌ها باشد، (به حق) ملحق می‌شود.  
(سرگردانی یا مسیر به سوی خدا، سرگردانی در امت اسلام)



﴿بگو من بدعتی از فرستادگان نیستم﴾


# سلسله پاسخ‌هایی به بدعت ۱۰۱ یوحنا دمشقی

ا قسمت دهم

احقانیت قرآن و محمد 

نویسنده: آندریاس انصاری

«بنابراین تمام خصوصیات که پدر دارد متعلق به پسر است، جز اینکه پدر نامولود است، و این استثنا شامل هیچ تفاوتی در ذات و بزرگی نمی‌شود؛ بلکه فقط شامل شیوه‌ای متفاوت از به‌وجود آمدن است. ما یک قیاس در آدم داریم که زاییده نشد (زیرا خود خدا او را شکل داد) و شیث که زاییده شد (زیرا او پسر آدم است) و حوا که از دندهٔ آدم بیرون آمد (زیرا او زاده نشد). این‌ها از نظر ماهیت با یکدیگر تفاوتی ندارند، زیرا آن‌ها انسان هستند؛ اما در نحوهٔ به‌وجود آمدن تفاوت دارند.» [۱]


همچنین اگر وی با دیدهٔ انصاف آیات قرآن را می‌خواند، برایش روشن می‌شد که بین دستورات اخلاقی کتاب‌های آسمانی تفاوتی نیست و اموری که قرآن و رسول خدا محمد  به آن‌ها فرمان می‌دهد، همان‌ها هستند که عیسی در کتاب مقدس عمل به آن‌ها را از پیروانش خواسته بود؛ و نیز بهتر بود نسبت به آیاتی که درک و فهمشان برایش مشکل بود، سکوت اختیار می‌کرد و به جست‌وجوی معنا و حقیقت آن‌ها در منابع صحیح اسلامی می‌گشت؛ اما چه کند که ناتوانی و ضعف فهمش نتیجهٔ بی‌ایمانی و مضحک بودن اعتقادش حتی نسبت به کتاب مقدس خود است و در نتیجه همه‌چیز را خنده‌دار و غیرعادی می‌بیند:

یوحنا دمشقی در ادامهٔ نقد غیرمنصفانه و ضد علمی‌اش می‌گوید:  
«خیلی چیزهای غیرعادی و مضحک دیگری در کتابش وجود دارد که او با افتخار می‌گوید از طرف خدا به او نازل شده است؛ لیکن زمانی که ما می‌پرسیم «و چه کسی هست تا شهادت دهد که خدا این کتاب را به او داده، و کدام‌یک از پیامبران پیشگویی کرده که چنین پیامبری ظهور خواهد کرد؟» کم می‌آورند.»

در جواب می‌گوییم:  
پیش از این پاسخ و در جواب‌های گذشته، به‌طور مفصل اشاره کردیم که اگر از نظر وی بیانات قرآن غیرعادی و مضحک است، پس آیات ضد علمی کتاب مقدسی که او به آن اعتقاد دارد، چیست؟ یا آن‌ها و افتضاحات علمی‌شان به چشم دمشقی نیامده است، که باید کتاب مقدسش را دقیق‌تر می‌خواند یا آن‌ها را دیده است و چشم خود را بر آن‌ها بسته، و گمان می‌کرده که دیگران متوجه آن‌ها نمی‌شوند! یا نه، دمشقی تمامی آن‌ها را خوانده، اما آن قدر نادان و ناآگاه بوده که اصلاً متوجه اشتباهات و ضد علمی بودن آن مطالب نشده است؛

مثلاً در بخشی از نوشته‌های وی آمده است:

سید احمد الحسن:

می‌بینیم که رسول خدا  در برابر علمای سه دین الهی تحریف شده می‌ایستد و با آن‌ها مبارزه می‌کند؛ یعنی دین حنیف، مسیحیت و یهودیت، روشن است که ایستادن در برابر عالم الهی منحرف چه در عقیده و چه در قانون گذاری مطابق با هوای نفسش، بسیار دشوارتر است از ایستادن در برابر بت‌پرست یا ملحدی که به وجود خداوند ایمان ندارد. (روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، ج ۱)



بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (کافران می گویند تو پیامبر نیستی. بگو خدا و هرکس که از کتاب آگاهی داشته باشد، برای شهادت میان من و شما کافی است). [۳]

(لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا) (ولی خدا به آنچه بر تو نازل کرد شهادت می دهد که با علم خود نازل کرده است، و فرشتگان نیز شهادت می دهند، و خدا برای شهادت کافی است). [۴]

آری! خود پروردگار به حقانیت کتابی که بر رسول برگزیده اش محمد ﷺ نازل کرده، و نیز بر صدق ادعای وی شهادت می دهد.

سید احمد الحسن می فرماید:

«هر فردی که گواهی خداوند به محمد ﷺ را می طلبد، خداوند دیروز و امروز و فردا خودش را به عنوان شاهد برای محمد و آل محمد ﷺ قرار می دهد. فقط بر انسان لازم است که در درخواست شناخت حق، اخلاص داشته باشد؛ خداوند به زودی با او، با رؤیا و به وسیله راه های ملکوتی روحی سخن می گوید و حق را و اینکه خداوند با محمد و آل محمد ﷺ است، برایش روشن می سازد. در زمان رسول الله ﷺ بسیاری از مردم گواهی خداوند را بر ایشان با رؤیا درخواست کردند و خداوند برای آنان گواهی داد و در نتیجه رؤیاهای محکمی که دیدند، ایمان آوردند؛ رؤیاهایی که خداوند در آن برای آنان، حق محمد و آل محمد ﷺ را روشن می کند.» [۵]

ایشان در ادامه به برخی رؤیاهایی که خداوند در آن ها به حقانیت رسول خدا ﷺ گواهی داده است، اشاره می کند که ما برای اختصار به ذکر یک نمونه اکتفا می کنیم. علاقه مندان به مطالعه بیشتر می توانند به کتاب عقاید اسلام، نوشته سید احمد الحسن مراجعه کنند.

«جابر بن عبدالله انصاری گوید: جُنْدَب بن جُنَادَه یهودی از خیبر نزد رسول الله ﷺ آمد و عرض کرد: ای محمد، از آنچه خداوند ندارد و از آنچه خداوند نمی کند و از آنچه خداوند نمی داند، به من خبر ده. رسول الله فرمود: «اما چیزی که خداوند ندارد، خداوند شریکی ندارد؛ اما آنچه

نیتوس ۱: ۱۵: (هر چیز برای پاکان پاک است؛ لیکن آلودگان و بی ایمانان را هیچ چیز پاک نیست؛ بلکه فهم و ضمیر ایشان نیز ملوث است).

یوحنا ی دمشقی در ادامه همان سخن با کنایه می گوید: «...او با افتخار می گوید از طرف خدا به او نازل شده است.»

قطعاً باعث شرف و افتخار است که بنده برگزیده خداوند باشی و او تو را انتخاب کرده باشد که بندگانش را به راه راستی که خود می پسندد، رهنمون سازی. باید همچون محمد ﷺ باشی تا لذت بندگی پروردگار را بچشی و با افتخار، خود را بنده و رسول او بدانی.

دمشقی می گوید:

«زمانی که ما می پرسیم «و چه کسی هست تا شهادت دهد که خدا این کتاب را به او داده، و کدام یک از پیامبران پیشگویی کرده که چنین پیامبری ظهور خواهد کرد؟» کم می آورند.»

پاسخمان به این قسمت از سخنان وی در دو بخش تقدیم خوانندگان عزیز می شود:

### بخش اول:

«چه کسی هست تا شهادت دهد که خدا این کتاب را به او داده؟»

### در جواب می گوئیم:

خداوند خود شهادت می دهد؛ به عنوان نمونه و برای پرهیز از طولانی شدن پاسخ، تنها به چند آیه از قرآن کریم اکتفا می کنیم:

(مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا) (هر خیری که به تو رسد از جانب خدا و هر شری که به تو رسد از جانب خود توست، تو را به رسالت به سوی مردم فرستادیم و خدا برای شهادت دادن کافی است). [۲]

(وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا)

### سید احمد الحسن:

از آیات قرآن به روشنی پیداست که خداوند برای مکلفان جهت خلفای خود از طریق وحی با رؤیا شهادت داده است؛ رؤیاهایی مانند رؤیاهای حواریون عیسی ﷺ و رؤیاهای اصحاب محمد ﷺ و این سنت خداست. هرکس منکر آن یا مدعی تبدیل و تغییر آن است، باید بینه و دلیل اقامه کند. (عقاید اسلام، مبحث نص از سوی خداوند سبحان)



### پانوشت:

۱. شرحی از ایمان ارتدوکس، کتاب ۱، فصل ۸. درباره تثلث مقدس.
۲. نساء، ۷۹.
۳. رعد، ۴۳.
۴. نساء، ۱۶۶.
۵. عقاید اسلام، خلافت محمد ﷺ، ص ۱۶۳ و ۱۶۴.
۶. كفاية الأثر، خراز قمی، ص ۵۷ تا ۵۸؛ بحار الأنوار، مجلسی، ج ۳۶، ص ۳۰۴.
۷. به قسمت پنجم از سلسله‌پاسخ‌ها به سخنان یوحنا دمشقی مراجعه کنید.
۸. در دست‌نوشته‌های یونانی واتیکانیه و سینیاییه فعل به صورت آینده است (یعنی ἕξει که تلفظش hexei است) و حکایت از آمدن شخصی از تیمان و فاران دارد؛ بعد از حقوق ﷺ چه کسی از فاران و تیمان آمد؟ تیمان در اینجا همان یمن است و منظور از فاران، مکه است؛ مکه از تهامه و تهامه از یمن یا تیمان بود؛ پس آیه به آمدن شخصی از مکه اشاره دارد و او کسی نیست جز پیامبر اسلام. برای مطالعه توضیحات بیشتر به کتاب سیزدهمین حواری از سید احمدالحسن، نسخه گردآوری و پانوشت شده توسط دکتر علاء سالم، صفحات ۳۸ تا ۴۱ مراجعه کنید.
۹. این متن مطابق همان متن در حقوق ۳:۳ است که از آمدن فردی صحبت می‌کند که از فاران می‌آید؛ فردی که با شریعت آتشین می‌آید. برای مطالعه توضیحات بیشتر به کتاب سیزدهمین حواری از سید احمدالحسن، نسخه گردآوری و پانوشت شده توسط دکتر علاء سالم، صفحه ۳۲ مراجعه کنید.
۱۰. منظور از تخت‌نشین محمد ﷺ است و بیست‌وچهار پیر اطراف وی همان بیست‌وچهار خلیفه خدا بر روی زمین‌اند که در وصیت مقدس محمد ﷺ به آن‌ها اشاره شده است. به کتاب سیزدهمین حواری از سید احمدالحسن، نسخه گردآوری و پانوشت شده توسط دکتر علاء سالم، صفحه ۱۷ مراجعه کنید.

محمد ﷺ را به دفعات داده است. به‌عنوان مثال به چند نمونه اشاره می‌کنیم:  
 پیدایش ۱۸:۲۱: (برخیز و پسر را برداشته، او را به دست خود بگیر؛ زیرا که از او امتی عظیم به وجود خواهد آمد). [۷]

حقوق ۳:۳: (خدا از تیمان آمد و قدوس از جبل فاران، سلاه. جلال او آسمان‌ها را پوشانید و زمین از تسبیح او مملوء گردید). [۸]

تثنیه ۲:۳۳: (گفت: «یهوه از سینا آمد، و از سعیر بر ایشان طلوع نمود و از جبل فاران درخشان گردید و با کرورهای مقدسین آمد، و از دست راست او برای ایشان شریعت آتشین پدید آمد»). [۹]

مکاشفه ۲:۲ تا ۴:۴: (فی‌الفور در روح شدم و دیدم تختی در آسمان قائم است و بر آن تخت نشیننده‌ای. و آن نشیننده، در صورت، مانند سنگ یشم و عقیق است و قوس قرچی در گرد تخت که به منظر شباهت به زمرد دارد؛ و گرداگرد تخت، بیست‌وچهار تخت است و بر آن تخت‌ها بیست‌وچهار پیر که جامه‌ای سفید در بر دارند نشسته دیدم و بر سر ایشان تاج‌های زرین). [۱۰]

کافی است مسیحیانی که در جست‌وجوی حق هستند، اندکی آزادگی و انصاف پیشه‌کنند و هشیار باشند از اینکه مبادا قدم در راهی بگذارند که یهود پا گذاشت و با لجاجت و بهانه‌جویی‌هایی که حتی آن‌ها را در مقابل کتاب مقدسشان قرار می‌دهد، خود را از شناخت و درک حقیقت محروم نکنند.

خداوند نمی‌کند، خداوند ستمی به بندگان نمی‌کند؛ اما چیزی که خداوند نمی‌داند، این سخن شما ای جماعت یهود است: (عزیر فرزند خداوند است)؛ و خداوند برای خودش فرزندی نمی‌داند. جندب عرض کرد: شهادت می‌دهم که خدایی به‌جز الله نیست و تو به‌حق رسول‌الله هستی. سپس عرض کرد: ای رسول‌الله! من دیشب در خواب، موسی بن عمران ﷺ را دیدم که به من فرمود: ای جندب! به دست محمد ﷺ اسلام بیاور و به اوصیای مابعدش تمسک بجوی...» [۶]

آری! خدای محمد ﷺ همان خدای عیسی ﷺ است که در رؤیای حواریون به حقانیت وی نیز گواهی داد: (متی ۵:۱۷)

### بخش دوم:

«کدام یک از پیامبران پیشگویی کرده که چنین پیامبری ظهور خواهد کرد؟»

متأسفانه یوحنا دمشقی مانند بسیاری از مسیحیان بر این باور است که پیشگویی‌های کتاب مقدس درباره پیامبر بزرگ خدا محمد ﷺ باید با ذکر نام صریح ایشان باشد؛ در صورتی که خود برای اثبات حقانیت عیسی ﷺ به سراغ آیات رمزگونه می‌روند و هرگز نمی‌توانند حتی یک آیه را در عهد قدیم بیابند که نام عیسی را به‌عنوان شخص بشارت داده‌شده به‌صراحت بیان کرده باشد؛ اما به هر حال چه آن‌ها بپذیرند و چه نپذیرند، کتاب مقدسی که باورش دارند، بشارت ظهور و پیامبری

### سید احمد الحسن:

رؤیاهای صادقانه همان وحی و نص الهی نزد آفریدگان است که به‌وسیله آن، خلیفه خدا در زمین را می‌شناسند و به اعتبار اینکه وحی الهی محسوب می‌شود، در صورت تحقق شروط، دلیل مستقلی برای شناخت خلیفه خدا به شمار می‌رود.

(عقاید اسلام، ص ۱۱۰)



# مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن ظهور کرد.

ای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام!

فرستاده امام مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود،

سال هاست که منتظر شماست.

ای یهودیان!

فرستاده ایلیا آمده است.

ای مسیحیان!

تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای اهل سنت!

آن مهدی که در آخر الزمان متولد می شود، اکنون در میان ماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین!

منجی بشریت با سندی از علم و شگفتی ها آمده است.